

بررسی حوزه حدیثی شیعه ی بغداد در سه سده نخستین

دکتر عباسعلی تفضلی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

مشهد-ایران

طاهره رحیم پور ازغدی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور

نیشابور-ایران

چکیده:

بغداد یکی از برجسته ترین مراکز علمی جهان اسلام در شرق در گسترش فقه، حدیث، و کلام بود و عالمان شیعی بسیاری به خود دیده در برخی از رشته ها چون حدیث با مراکز علمی پیش از خود مانند حوزه حدیثی قم رقابت می کرد. در حوزه حدیثی بغداد حضور بزرگانی چون هشام بن حکم و یونس بن عبدالرحمن با گرایش خردگرایی و مناظرات متکلمین امامیه با معتزله بر شکل گیری مکتب علمی آن شهر موثر بود و این مکتب حدیثی را از حوزه ی حدیثی شیعه در قم با گرایش اخباریگری ممتاز کرد.

کلید واژگان: حدیث، شیعه، بغداد.

مقدمه:

مطالعات تاریخی گواهی می دهد که جوامع انسانی همواره تحت تأثیر اربابان دانش خویش بوده عالمان در اعتلا و انحطاط تمدن های بشری کاملاً سهیم بودند. به همین سبب بها دادن به دانشمندان ارزشی اجتماعی است و هر قوم و طائفه بی در معرفی متفکران خود تلاش میکند تا بتواند میراث علمی آنان را زنده نگه دارد. بررسی تاریخ علوم اسلامی حاکی از این است که رشته-هایی چون علوم قرآن، تفسیر، حدیث و رجال همواره مورد عنایت شیعیان بوده و اندیشمندان شیعه نه تنها تألیفات متعددی در این علوم به جای گذاشتند که در عمده دانشهای اسلامی پیشگام و صاحب ابتکار بوده اند.

چون در این مقاله از واژه های " آثار، حدیث، شیعه و بغداد" به تکرار استفاده شده است مختصراً به بیان مفهوم مورد نظر هر یک می پردازیم:

حدیث: به معنای وقوع و حصول و خبر و مرادف کلام نیز آمده است. (جوهری، ۱۴۰۷: ۲۷۸/۱) امامیه حدیثی که به معصوم منتهی نشود معتبر نمی دانند ولی عامه حدیث را کلامی می-دانند که به معصوم یا یکی از صحابه یا تابعین منتهی شود. (قمی، بی تا: ۱۲) شیخ بهایی می-فرماید: حدیث کلامی است که حکایت می کند قول، فعل تقریر معصوم را (بهایی، ۱۳۷۳: ۵۰۳) آثار: این کلمه جمع اثر به معنی بقیه چیزی است. (ابن منظور، ۵۱۴: ۱۴۱۴) اثر به معنی خبر نیز آمده است شهید ثانی می گوید اثر بر هر یک از حدیث و خبر اطلاق می شود. (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۵۰) شیعه: در لغت به معنای پیرو و طرفدار است که بر امری یک سخن شود (فیروز آبادی، ۱۴۱۲، ذیل شیعه) و در اصطلاح به مسلمانانی گفته می شود که حضرت علی (ع) را پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) خلیفه شرعی می دانند و عمل آنان که در سقیفه بنی ساعده گرد آمدند و ابوبکر را به خلافت و جانشینی پیامبر برگزیدند نمی پذیرند. (نوبختی، ۱۴۰۴: ۱۸)

بغداد: در وسط بین النهرین در ساحل غربی دجله در دشتی حاصلخیز بر سر راه خراسان واقع و محل تلاقی راههای کاروانی بود. آنجا بازارهای ماهانه تشکیل می شد. بعضی بغداد را همان روستای بادوریا می دانند. (حموی، ۱۳۹۹: ذیل بغداد)، بغداد تا سده چهارم هجری در این قسمت تاریخ بغداد از بدو تأسیس تا سده چهارم هجری (حکومت آل بویه) بررسی می شود. و

فضای کلی حاکم بر آن عصر و جنبه های سیاسی و فرهنگی تأثیر گذار بر جنبش های علمی محدثین بغداد بیان می گردد.

خلافت عباسیان امپراطوری عباسیان در سال ۱۳۲ق حکومت خود را با شعار «الرضا من آل محمد(ص)» و حمایت ایرانیان آغاز کرد. (سیوطی، ۱۴۱۱: ۲۵۷) خلفای عباسی با بهره گیری از حاکمیت فرهنگ شیعه و استفاده از عناصر ایرانی به ترویج علم پرداخته و راه ترویج اندیشه های فکری خارج از حوزه اسلام را با تأسیس بیت الحکمه و حمایت از نهضت ترجمه گشودند. (غنیمه، ۱۳۷۷: ۸۵-۹۰) مأمون دستور داد دانشمندان را در باب اعتقاد یا عدم اعتقاد به مخلوق بودن قرآن بیازمایند و هر کس به مخلوق بودن قرآن اعتقاد نداشت روانه زندان کنند. بدین ترتیب گرچه در دوره ی نخست خلافت عباسیان (۱۳۲-۲۳۲ق) که با خلافت سفاح (۱۳۲-۱۳۶ق) آغاز و با خلافت واثق (۲۲۷-۲۳۲ق) خاتمه می یابد، بسترهایی برای رشد علوم فراهم گردید ولی جامعه علمی در این دوره شاهد برخوردهایی برابر آزادی بیان و عقیده المحنه و ممنوعیت ایراد سخنرانیهای علمی و همگانی از جانب مأمون روبه رو بود. (احمد، ۱۳۶۸: ۲۳۶)، در این عصر به مقتضای تغییر حکومت از اموی به عباسی تغییراتی در اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی ایجاد گردید که از جمله آنها تغییر مرکز خلافت بود. دمشق مرکز خلافت بنی امیه در ناحیه غرب جهان اسلام از مرکز قدرت بنی عباس در شرق جهان اسلام دور بود. به همین سبب منصور به منظور تثبیت حکومتش روستایی به نام بغداد را برای پایتختی برگزید. بغداد در ساحل غربی رود دجله در نزدیکی مدائن قرار داشت و محل رفت و آمد کاروانهای تجاری و مسافرتی به نقاط مختلف جهان اسلام بود. (بغدادی، ۱۴۱۷: ۸۸-۸۷/۱)، طرح اولیه شهر در سال ۱۴۱ق پی ریزی شد و تکمیل آن تا ۱۴۹ق ادامه داشت. با تکمیل شهر بغداد به عنوان مقر خلافت عباسی اندیشمندان، محدثان، متکلمان و دیگر صاحبان فن به این شهر مهاجرت کردند. (مودب، ۱۳۸۴: ۱۲۲) در این میان بسیاری از اصحاب امامان شیعه علیرغم فشارهای حاکم در این شهر به نشر و تبلیغ اندیشه های ناب شیعی پرداختند. (سید کباری، ۱۳۷۸: ۱۲۴) از این رو عصر اول عباسی را می توان طلیعه جنبش های علمی در این شهر نامید. اما بغداد در دوره ی دوم خلافت عباسیان (۲۳۳-۳۳۴ق) با رکود اقتدار علمی روبه گردید چنانکه جرجی زیدان می نویسد «در این دوره اندیشه به بند کشیده

شد زیرا متوکل معتزله و شیعه را راند و تحت پیگرد قرار داد، از این رو، آزادی اندیشه به ضعف گرایید و مردم از ترس جان اندیشه های خود را پنهان می کردند.» (زیدان، ۱۹۶۷: ۲
 ۴۶۲/ متکلمین و اندیشمندان برجسته که در دوره ی اول عباسی جایگاهی بس والا داشتند به شرق و غرب جهان اسلام رفته و زمینه رشد و توسعه علوم در بغداد از میان رفت. (مدرسی طباطبائی، ۱۳۸۶: ۹) از این رو یکی از علل فعالیت مکتب حدیثی قم مقارن با عصر غیبت صغری (۲۶۰-۳۲۹ق) رکود محافل علمی شیعی در بغداد بوده است. (جباری، ۱۳۸۴: ۹) بغداد در دوره ی سوم خلافت عباسی (۳۳۵-۴۴۷ق) مورد عنایت مجدد دانشمندان گردید و دانشمندان شیعی با مغتنم شمردن این فرصت به تلاش علمی و فرهنگی پرداختند. (خضری، ۱۳۷۸: ۱۶۷-۱۶۹).

عوامل گسترش تشیع در بغداد

منصور عباسی بغداد را در دو سوی شرق و غرب دجله بنا نهاد، از همان ابتدا قسمت غرب دجله را «کرخ» و قسمت شرق دجله را «رصافه» یا «عسکر المهدی» می گفتند که هر بخش هفده محله داشت. (ابن حوقل، بی تا: ۲۴۲) و هر محله به منزله شهری و صاحب مسجد جامع بود. (ابن جبیر، ۱۹۶۴م: ۲۰۱)، شهر بغداد از ابتدای تأسیس مورد توجه همه مذاهب قرار گرفت و جغرافیای مذهبی متنوعی بر بغداد حکمفرما گشت. منطقه ی کرخ دروازه ی بغداد و مرکز تردد بازرگانان در سمت غربی دجله از ابتدا شیعه نشین بود. (حموی، ۱۳۹۹: ذیل کرخ)، حرم امام موسی کاظم (ع) و امام جواد (ع) در آن محله قرار داشت. ولی محله های اطراف کرخ عمدتاً سنی نشین بوده اند. محله کرخ در طول حیات خود بارها در جریان منازعات با اهل سنت به آتش کشیده شد و غارت گردید. (طهماسبی، ۱۳۸۲: ۱۰۷-۱۲۴)، در مقابل محله کرخ در جنوب باب المحول، محله برائنا از مناطق شیعه نشین بود. (یاقوت حموی، ذیل برائنا) که بنا به مشهور حضرت علی (ع) در آن مسجدی به همین نام بنا کرده و در آن نماز گزارده است. محله برائنا نیز از کانون های درگیری شیعه و سنی به شمار می آمد به گونه ای که مقتدر عباسی (۲۹۵-۳۲۰ق) دستور داد مسجد برائنا را ویران کنند و خلیفه راضی (۳۲۲-۳۲۹ق) آن را دوباره بنا نمود (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق: ۴/۱۵-۵) علاوه بر محلات مذکور، محله «نهر الطابق» در منطقه کرخ و محله های «باب الطاق»، «سوق

السّلاح»، «سوق یحیی»، «سوق القلابین» و «سوق الثلاثاء» در شرق بغداد از مراکز شیعه نشین بوده است. (یاقوت حموی، ۱/ ۲۸۳، ۲۸۴، ۳۰۸) علاوه بر مسلمانان، پیروان مذاهب گوناگون چون نصرانی یهودی، زردتشتی، مانوی، مزدکی، صائبی و غیره در این شهر سکونت داشتند. (فقیهی، ۱۳۵۷: ۴۸۵-۴۸۹).

۱- **حضور ائمه ی اطهار** از دوران امام جعفر صادق (ع) (۸۰-۱۴۸ق) اکثر امامان معصوم بنا به فشارهای سیاسی از جانب حکومت عباسی به بغداد آمده اند. (مجلسی، ۱۹۸۳، ۱۶۷/۴۷-۱۶۹) امام کاظم (ابن شهر آشوب، بی تا: ۳۸۴/۴) و امام جواد (ع) چندی در این شهر سکونت کرده و همان جا به شهادت رسیدند (مفید، ۱۳۷۸: ۲۹۳/۲) همچنین انتقال امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) به سامراء به سبب ارتباط شیعیان بغداد با ایشان و گسترش حرکت های علمی شیعه در بغداد انجام گردید. (همان، ۳۰۹/۲)، ۲- **سازمان وکالت** وجود سازمان گسترده و مخفیانه وکالت از دیگر عوامل پویایی جنبش علمی شیعیان بغداد بود. سازمان وکالت در عصر امام صادق (ع) شکل گرفت. در عصر امام هادی و امام عسکری (ع) ساماندهی یافت و در عصر غیبت صغری به اوج خود رسید. بنا بر روایات تاریخی، مناطق مورد نظر برای تعیین وکلا در عصر غیبت چهار منطقه بود: الف: بغداد، مدائن، کوفه ب: بصره و اهواز ج: قم و همدان د: حجاز، یمن و مصر در این میان شهر بغداد به سبب استقرار نمایان خاص امام دوازدهم اهمیت به سزایی یافت و محل حضور گسترده شیعیان گردید. (حسین جباری، ۱۳۷۹: ۱۴۹)، ۳- **نفوذ شیعیان در دستگاه خلافت** از مطالعه ی اسناد تاریخی به دست می آید همواره رجال شیعی دارای مناصب مهمی در دستگاه خلافت عباسیان و سایر بلاد بوده اند. (مظفر، ۱۳۶۸: ۱۴۴-۱۴۶) در این میان برخی خانواده ها چون خاندان یقطین، برمکیان و نو بختیان نقش مؤثری در توسعه گرایشهای شیعی در بغداد داشتند. آل یقطین از خانواده های علمی و سیاسی سده دوم هجری بودند که محدثان و مؤلفان بزرگی را به جامعه علمی تقدیم کرده بودند. سر سلسله ی این خاندان، یقطین بن موسی از دعوات بنی عباس و از ملازمان سفاح و منصور بود. اما فرزند او علی هوادار آل علی (ع) و از معتقدان به امامت آنان بود. (طوسی، بی تا: ۹۱)، از برجستگان آل یقطین می توان به عبید بن یقطین، علی بن یقطین، یعقوب بن یقطین، محمد بن عیسی یقطین و یونس بن عبدالرحمن یقطین از اصحاب امام

صادق (ع)، امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) اشاره کرد. (یوسفی، ۱۳۶۷: ذیل آل یقطین)، خاندان ایرانی تبار برمکی نیز در شکل گیری جامعه شیعی بغداد نقش مؤثری داشتند. خالد، جد برمکیان پیش از آنکه با عباسیان بیعت کند با علویان بیعت کرده بود. اما زمانی که از سرنوشت ابومسلم خراسانی و قتل او در سال ۱۳۲ق آگاه گشت به خدمت خلفای عباسی درآمد. یحیی بن خالد، مربی هارون الرشید، در دستگاه وی اقتدار بسیار داشت و عظمت دولت عباسی در آغاز، نتیجه حسن تدبیر و سیاست یحیی و دو پسرش فضل و جعفر بود. این پدر و دو پسر از مشاهیر علم و ادب و فضل بودند. اما برمکیان دشمنی عباسیان را با شیعه نمی پسندیدند و سرانجام تمایل قلبی به تشیع و ثروت بسیار آنان و گرایش به نشر آثار ایرانی و سعایت مخالفان، سبب تحریک هارون الرشید علیه برامکه و صدور دستور قتل عام آنان در سال ۱۸۷ق گردید. (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق: ۲۰۴/۱۰)، نوبختیان خاندان اصیل شیعی مذهب ایرانی از اواسط قرن دوم تا اوایل سده ی پنجم قمری می زیسته اند. و از میان آنان منجمان، ادیبان، متکلمان و مؤلفانی برجسته، برخاسته اند. (صفا، ۱۳۷۴: ۵۸-۵۹) این خاندان با نشر حکمت و علوم اسلامی و اداره ی پاره یی مشاغل، یادی نیکو از خود به جا گذاشتند. (اقبال آشتیانی، ۱۳۴۵، ۵)، اگر چه نوبختیان از دانشمندان امامی مذهب بودند اما مکتب فکری خاص خود را با گرایشهای فلسفی و کلامی داشتند و در مواردی با آراء مشهور شیعه مخالفت ورزیدند. شیخ مفید در کتاب اوائل المقالات بسیاری از نظریات آل نوبخت را که مخالف دیدگاه امامیه است، ذکر می کند. (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ۸۲)، **خدمات علمای شیعه به علم حدیث** دومین منبع مهم معارف اسلامی است. در میان فرقه های اسلامی، شیعیان از آغاز به اهمیت حدیث پی برده و با کتابت آن به حفظ این میراث علمی پرداخته اند ولی اهل سنت تا نیمه دوم هجری مجموعه مدونی از احادیث نداشتند. (متقی، ۱۹۹۸: ۱۷۴) نخستین اثر حدیثی منسوب به علی بن الی طالب است. به گزارش برخی محققان این کتاب که در حقیقت املائی پیامبر (ص) بوده، توسط امام باقر (ع) به «حکم بن عتیبه» نشان داده شده است. (صدر، ۱۳۶۹: ۲۷۹) ابو رافع خزانه دار علی (ع) نیز در زمینه حدیث کتابی به نام «السنن و الاحکام و القضا یا» تألیف کرد. (مدیر شانه چی، ۱۳۴۴: ۶۸) همچنین سلمان فارسی کتاب حدیث جاثلیق را تدوین نمود. (صدر، ۱۳۶۹: ۲۸۰)، به گزارش شیخ مفید، محقق حلی، و شهید اول، شیعیان از عهد علی (ع) تا

عصر امام حسن عسکری (ع) چهارصد کتاب حدیثی به نام «اصل» تصنیف کرده اند. بنابر اسناد تاریخی، امام صادق (ع) با تأکید و ترغیب بر مکتوب کردن روایات و احادیث شاگردان را واداشت آنان را ثبت کنند در اثر این فعالیت ها کتب بسیاری نگاشته شد که تعداد چهارصد کتاب آن مشهور به "اصول چهار گانه" یا "اصول اربعه" معروف است. البته لازم به یادآوری است که کتابت حدیث در دوران امام پنجم و ششم متداول بود. این اصول، چهارصد مجموعه یا رساله کوچک از روایات در زمینه های مختلف اعتقادی، احکام، سنن، تفسیر و اخلاق بود که پایه های اساسی معارف شیعه به شمار می آمد و بعدها با آغاز تدوین مجموعه های حدیثی بزرگ ضمن آنها در ابواب مختلف آمدند تا دستیابی به مطالب آنها راحت تر باشد زیرا اصول چهارصد گانه از ترتیب خاصی در نوشتار برخوردار نبود. و بیشتر احادیث آنها در جلسات مختلف و شاید در پاسخ به سؤالات نوشته شده و فاقد هر گونه نظم و فصل بندی مشخص بوده است. پس از درج این اصول "مجموعه های حدیثی" مراجعه و نیاز به آنها کمتر شد. تا به مرور زمان، بیشتر نسخه های آنها مفقود شد و کتب اربعه اسکافی از ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی (۳۲۸ق)، من لایحضره الفقیه از شیخ صدوق (۳۸۱ق) و تهذیب الاحکام و الاستبصار فیما اختلف فیه من الاخبار تألیف شیخ حسن طوسی (۴۶۰ق) جانشین این اصول شد. (معارف، ۱۳۷۴: ۴۵۶-۵۴۷)، البته تعداد کتب حدیثی که اصحاب ائمه تألیف کرده اند، پیش از اینها بوده که در فهرستها به آنها اشاره شده اما متأسفانه، این منابع دستخوش حوادث گردیده و موجود نیست. (آقا بزرگ، ۱۳۹۸: ۱۲۵/۲-۱۶۷) بدین ترتیب شیعیان از سده اول هجری به جمع و تدوین میراث حدیثی خود اقدام کردند. در سده دوم، این آثار حدیثی بر اساس محتوا و تفکیک موضوعی مرتب گردید و کتابهایی با عنوان "مبوت" یا "جامع" به وجود آمد.

در سده ی چهارم، جوامع روایی به صورت مدون عرضه شد و در سده پنجم هجری این علم به دست توانای محمد بن حسن طوسی (۴۶۰ق) تکامل یافت. اما سالهای بین سده ششم تا یازدهم هجری را باید دوره ی رکود حدیث شیعه نامید. (مدیر شانه چی، ۱۳۴۴: ۸۲)، محدثین بغداد با مراجعه به کتب تراجم و رجال به دست می آید که بسیاری از روایان به "بغدادی" ملقب بوده و درباره ی آنان عباراتی نظیر "سکن بغداد"، "قدم بغداد"، "نزل بغداد"، "دعات بغداد" مانند

آن به کار رفته است. اهمیت مکتب حدیثی بغداد در سده چهارم و پنجم به آنجا رسید که افرادی چون محمدبن احمدبن داود قمی شیخ و فقیه قمیان پس از رحلت پدرش به بغداد آمد و به حدیث و تصنیف کتب پرداخت و در سال (۳۶۸ق) در بغداد درگذشت. و در مقابر قریش مدفون گردید. (نجاشی، ۱۴۰۸: ۳۸۴)، حضور محدثان در بغداد برجستگان و رجال شیعی از آغاز بنای بغداد در این شهر ساکن شدند. حتی برخی از آنان به مناصب حکومتی دست یافتند. در بغداد مجالس عظیم اسلامی حدیث برگزار می شد. و شخصیت های بزرگی چون هشام بن حکم، محمدبن ابی عمیر، خاندان نوبختی، خاندان ابن قولویه و اسکافی در این شهر سکنا گزیدند. پیش از ظهور محدثان شیعه در بغداد، دانشمندان عامه نیز مجالس اسلامی حدیث تشکیل می دادند مانند مجلس عاصم بن علی (۲۲۱ق) در مسجد رصافه که حاضران آن به صد تا صد و بیست هزار نفر میرسیدند. اکنون به معرفی برخی از این محدثین می پردازیم. عباس بن موسی و راق بغدادی ابوالفضل، فقیه و محدث مورد اعتماد شیعی در کوفه زاده شد و پرورش یافت. به گفته نجاشی وی به بغداد آمد و به شغل و راقی مشغول شد و در بغداد وفات یافت. او از اصحاب امام رضا(ع) بود و از ایشان به طور مستقیم روایت دارد. ابن موسی در مجلس درس استادانی چون یونس بن عبدالرحمن (۲۰۸ق) و محمدبن ابی عمیر (۲۱۷ق) حضور یافت و در علوم حدیث به حد کمال رسید. صاحب نظران درباره ی صحت و ارزش روایات او اتفاق نظر دارند. اکنون قریب به ۲۴ حدیث از او در منابع شیعه باقی مانده است. از تألیفات او کتاب متعه در مورد احکام ازدواج موقت است. (خویی، ۱۴۱۳: ۱۰)، احمد بن ابراهیم بن اسماعیل بن داود بن حمدون بغدادی (۲۵۵ق)، ابوعبدالله، محدث، ادیب، لغت شناس، نسب شناسی شیعه مشهور به کاتب بود. او به علت هم نشینی با متوکل عباسی (۲۳۲-۲۴۷ق) لقب ندیم گرفت. نجاشی وی را از اصحاب امام حسن عسکری (ع) می داند. یاقوت حموی تولد ابوعبدالله را در سال (۲۳۷ق) و مرگ او را در سال (۳۰۹ق) گزارش کرده است. ابوعبدالله از طایفه "بنی حمدون" بغداد است. پدرش نویسنده کتاب "الندماء و الجلساء" از عالمان عصر خود بود. وی به تصریح مورخان سنی و صاحب نظران شیعی از عالمان برجسته امامیه بود و با امامان هادی و عسکری (ع) رابطه تنگاتنگی داشت. ابوعبدالله آثار ارزشمندی داشته که اکنون موجود نیست. از جمله تألیفات وی؛ اسماء الجبال و

المیاه والادویه، کتاب بنی مره بن عرف، کتاب بنی تمر بن قاسط، کتاب بنی عقیل، کتاب بنی عبدالله بن غطفان، کتاب طیّ و می باشد. (نجاشی، ۱۴۰۷: ۹۳؛ حموی، بی تا: ۲۰۴/۲-۲۱۸)، عبدالرحمن بن یوسف بن خراش مروزی بغدادی (۲۸۳ق)، ابومحمد از حافظان بزرگ و رجال برجسته ی شیعه که تاریخ ولادت او نا معلوم ولی وفات او در رمضان سال (۲۸۳ق) در بغداد بوده است. او برای کسب حدیث سفرهای بسیاری کرد به همین سبب به رخاله معروف است. خطیب بغدادی و ذهبی اذعان کردند کسی از او حافظ تر نبوده است. وی به اعتقاد همه دانشمندان شیعه و سنی نه تنها در علم حدیث فردی کاملاً" مورد اعتماد است بلکه تعدیل های او نسبت به دیگر راویان مورد استناد قرار گرفته است. از شاگردان معروف او احمد بن عقده (۳۳۳ق) بود که کتاب رجال او بر اساس نوشته های ابن خراش شکل یافته است. آثار ابن خراش عبارت است، مثالب شیخین، الجرح و التعديل و رجال ابن خراش (بغدادی، ۲۷۸/۱۰، ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۸۵/۱۱ آقابزرگ، ۱۴۰۳: ۸۴/۱۰)

یوسف بن ابراهیم بن دایه بغدادی (۱۸۰-۲۶۵ق)، ابوالحسن معروف به ابن دایه، مشهور به کاتب و حاسب (نویسنده و ادیب) در بغداد به دنیا آمد و پرورش یافت و چون برادر رضاعی خلیفه ابراهیم بن مهدی عباسی (۲۲۴ق) بود. در دستگاه اداری صاحب منصب بود. ابن دایه از شاگردان اسماعیل بن ابوسهل بن نوبخت بود. آثار او عبارت است از: اخبار ابراهیم بن مهدی، اخبار ابی نواس و المختار من شعره و اخبار الاطباء مع الملوک (زرکلی، ۱۴۱۰: ۲۱۲/۱)، ابو احمد محمد بن ابی عمیر زیاد بن عیسی (۲۱۷ق)، وی از موالی آل مهلب از موثق ترین افراد مورد اعتماد شیعه و سنی (نجاشی ۱۴۰۶: ۳۲۶) و از اصحاب اجماع (طوسی ۱۳۴۱: بی تا، ۸۳۰/۲) به شمار میرفت. ابن ابی عمیر از اصحاب امامان کاظم (ع)، رضا (ع)، و جواد (ع) است. (طوسی، ۱۳۴۱: ۲۱۸)، برخی از بزرگان تعداد کسانی را که او از آنان روایت نقل کرده تا ۴۱۰ تن ذکر کرده اند. (جعفر سبحانی، ۱۴۱۴: ۲۲۲) کشی نقل می کند که ابن ابی عمیر در پاسخ به سوال فضل بن شاذان که چرا از اهل سنت نقل نمی کند " از احادیث اهل سنت صرف نظر کرده و به احادیث اهل بیت اکتفاء نموده تا در نقل احادیث از خاصه و عامه دچار اشتباه نشود. (طوسی، ۱۳۴۱: ۸۵۵/۲) نجاشی آثار روایی او را ۹۴ کتاب ذکر کرده است. (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۲۷) چون ابن عمیر ۱۷ سال در زندان

بود، خواهرش کتابهای او را زیر خاک پنهان کرد و به روایت خود او آنها را زیر باران گذاشت و همه آنها از بین رفت. (طوسی، ۱۳۴۱: ۸۵۴/۲) و او پس از آن توانست فقط آنچه را در حافظه داشت. در چهل کتاب و بدون سند به عنوان نوادر گرد آورد. (طوسی، ۱۳۴۱: ۸۵۴/۲) برخی از دانشمندان امامی چون نجاشی و شیخ بهایی مرسلات وی را در حکم مسند دانسته و به آن اعتماد کرده اند. (عاملی، بی تا: ۲۶۹) و بعضی چون محقق اردبیلی و محقق حلی به دلیل افکار حجیت احادیث مرسل، مرسلات ابن ابی عمیر را نپذیرفته اند (دیاریدگلی، ۱۳۸۲: ۹۲-۷۳) زیرا بنا بر نظر منکران حجیت احادیث مرسل، شرط جواز پذیرش روایت، شناخت عدالت راوی است و این شرط در احادیث مرسل محرز نیست زیرا روایت شخص ثقه و عادل موجب تعدیل واسطه نمی-گردد. (خویی، ۱/۶۱-۶۵) در روایات ابن ابی عمیر (۴۷۰۰ روایت) زمینه های مختلفی از تفسیر، فقه و کلام وجود دارد. بدین ترتیب حجم قابل ملاحظه ای روایت درباره مسائل کلامی از او نقل شده است. **هشام بن حکم (۱۷۹-۱۹۹ق)**، هشام از موالی بنی کنده یا بنی شیبان بود گرچه برخی او را از قبیله خزاعه (صدر، ۱۳۵۴: ۳۶۰) میدانند. او در کوفه به دنیا آمد و در واسط بزرگ شد و در آخر عمرش به دلیل آنکه مرکز تجارتش بغداد بود در آنجا سکونت گزید. (طوسی ۱۳۴۱: ۵۲۶/۲) وی ابتدا شاگرد "ابو شاکر دیصیانی" صاحب مکتب الحاد و سپس پیرو جهم بن صفوان جهمی گردید و آنگاه به مکتب امام صادق(ع) گروید و از برجسته ترین شاگردان ایشان شد. (حلی، ۱۳۸۱: ۲۰۰) از این رو نسبت برخی افکار الحادی به هشام به دوره شاگردی از دیصیانی و یا جهم بن صفوان است. (نعمه، ۱۳۴۷: ۶۰) هشام از متکلمان و محدثان مورد اعتماد شیعه است اما شاگردانی چون محمدبن ابی عمر و یونس بن عبدالرحمن در فقه و حدیث از او بهره برده اند. (حائری اردبیلی، بی تا: ۳۱۳/۲-۳۱۴) از امتیازات حیات فکری هشام مناظرات متعدد او با سران مکاتب فکری مسلمان و غیر مسلمان است به همین دلیل محتوای روایات منقول از او در بیشتر موارد مربوط به عقاید اسلامی و مناظرات امام صادق(ع) با ملحدان و زنادقه است. (نعمه، ۱۳۴۷: ۱۰۱-۱۰۶) بسیاری از این مناظرات با سران معتزله چون جاحظ (۲۵۶ق) ابو هذیل علاف (۱۳۵-۲۲۵-۲۳۵ق) و ابوالحاق نظام(۲۳۱ق) بوده است. از این رو برخی از بزرگان معتزله چون احمد بن حسین راوندی (۲۴۵ یا ۲۹۸ق) در کتاب فضیحه المعتزله از اندیشه های هشام دفاع کرده و برخی

چون بشرین معتمر معتزلی (۲۱۰ق) آراء او را رد کرده اند. (همان، ۵۹۴) آثار کلامی هشام بیش از ۳۰ اثر بوده است. (کتاب الامام، الرد علی الزنادقه، الرد علی المعتزله و آثار ارزشمند دیگر) نا گفته نماند از هشام اثر مستقلی مربوط به علوم حدیث نمانده ولی از طلیعه داران مکتب بغداد است که نقش مؤثری در پایه گذاری اندیشه های عقل گرایانه در بغداد دارد. از نمونه های بارز تأثیر وی بر عقل گرایی بغداد مناظرات هشام با سران معتزله و نگارش اولین کتاب اصول فقه است. (امین، ۱۴۰۳ق: ۲۶۵)، علی بن یقطین (۱۲۴-۱۸۲)

وی از محدثان، فقیهان و متکلمان شیعی و از اصحاب خاص امام کاظم (ع) بود. (طوسی، بی تا، ۳۲۹) پدرش کوفی و از داعیان بنی عباس بود اما در پی فتنه مروان علیه او به مدینه فرار کرد و در پی او علی و عبید فرزندان او نیز به مدینه هجرت کردند پس از به خلافت رسیدن عباسیان ابن یقطین از کار گزاران مهدی عباسی گردید. ماندن او در دستگاه خلافت به توصیه امام کاظم (ع) (۱۲۸-۱۸۳ق) بود تا از شیعیان حمایت کند. (امین، ۱۴۰۳: ۳۷۱/۸) کشی می نویسد: "امام کاظم (ع) بهشت را برای او تضمین کرده است". (طوسی، ۱۳۴۱: ۷۲۹-۷۳۷) از آثار حدیثی او کتاب سال عن الصادق (ع) من الملاحم، کتاب مناظره الشاک بحضرتة و مسائل عن ابی الحسن موسی بن جعفر است. (همان، ۱۵۵) وی در سال (۱۸۲ق) در بغداد درگذشت.

یونس بن عبدالرحمن یقطینی (۲۰۸ق)

یونس بن عبدالرحمن معروف به مولی آل یقطین از بزرگترین محدثان شیعه به شمار می رود. (برقی، ۱۳۴۲: ۴۹) نجاشی می نویسد او در عصر هشام بن عبدالملک به دنیا آمد. (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۳۷) یونس امام صادق (ع) را در حرمین شریفین ملاقات کرد، اما موفق به شنیدن حدیث از ایشان نشد. (طوسی ۱۳۴۱: ۷۸۳، ۷۸۰/۲) وی از برجسته ترین راویان امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) بود و وثاقتش به تأیید ایشان رسیده است. (خویی، ۱۴۱۳ق: ۲۱۲/۲۱-۲۲۰) یونس از محضر استادانی چون عبدالله بن سنان، عبدالله بن مشکان و هشام بن حکم بهره برده است. (همان، ۲۲۹/۲۱) گرچه گزارشهایی در ذم او از قمیان در دست است، (طوسی، ۱۳۴۱: ۳۳۶-۳۶۸) ولی رجالیانی چون کشی پس از نقد این گزارشها همه را مخدوش شمردند و این رو می توان او را از راویان ثقه و از اصحاب اجماع دانست. (همان، ۸۳۰) شاید یکی از دلایل اعتراض قمی ها به

یونس انتساب فرقه ای از غلات به نام "یونسیه" به او باشد. (سمعانی مروزی، ۱۴۰۸: ۵۰/۷۱۱) چرا که محدثان قم موضع سختی در برابر غالیان اتخاذ کرده بودند. اما کتاب "الرد علی الغلاه" یونس دلیل مبارزه وی با غالیان است. از طرفی مقابله حدیث گرایان قم با اندیشه های عقل گرایی یونس یکی دیگر از دلایل مخالفت قمیان با وی است و کتاب اختلاف الحدیث و علل الحدیث یونس بن عبدالرحمن حاکی از مبارزه علمی او با قشری نگری قمیان و پذیرش احادیث صحیح و سقیم از سوی آنان است. برخی از آثار فقهی و حدیثی یونس بن عبدالرحمن عبارت است از "کتاب الشرایع، کتاب السهو، الادب، الزکاه جوامع الآثار، فضل القران، کتاب الحدود، الصلوه، العلل الکبیر، اختلاف الحدیث، کتاب یوم و لیله (خویی، ۱۴۱۳: ۲۱/۲۱۰) ابو هاشم در مورد کتاب یوم الیله می گوید: این کتاب را نزد امام عسکری بردم ایشان به دقت کتاب را تا آخر ورق زد و نگاه کرد و فرمود: آنچه در این کتاب است دین من و پدرانم است. تمام این کتاب حق و حقیقت است. (طوسی ۱۳۴۱: ۲/ ۷۸۰)

یونس از محدثان عقل گرای بغداد به حساب می آید. و توجه او به مسئله ی نقل حدیث و گرد آوری روایات تا آن جاست که می توان وی را از جمله جامع نویسان پیش او کلینی محسوب کرد. کتاب های المجمع الکبیر فی الفقه، جامع الآثار و جامع الصغیر از جمله آثار او در این موضوع است. (مرعشی، ۱۳۷۱: ۳۲۸)

محمد بن عیسی بن عبید بن یقظین (۲۶۰ق)

وی از راویان برجسته شیعه، از اصحاب امام جواد (ع)، از موالی اسدبن خزیمه بود. (نجاشی ۱۴۰۷: ۳۳۳) رجالیان شیعه او را توثیق و بسیار مدح کرده اند. (خویی، ۱۴۱۳: ۱۸/۱۱۹-۱۲۶) تنها شیخ طوسی به تبع شیخ صدوق او را به سبب پیروی از غلات تضعیف کرده است. از تألیفات او می توان به الواضح المکشوف فی الرد علی اهل الوقوف، کتاب المعرفه، کتاب الوصایا، التجمال و المروه، کتاب النوادر و کتاب الرجال اشاره کرد. (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۳۴)

ابو سهل اسماعیل بن علی نوبختی (۳۱۱-۲۳۷ق)

ابوسهل از متکلمان بزرگ شیعه بغداد ملقب به "شیخ المتکلمین" است. ابوسهل علاوه بر کلام و فلسفه در ادب و شعر و سیاست نیز دست داشت و در دستگاه خلافت عباسی مقامی چون

وزیر داشت. (حلی، ۱۳۸۱: ۵۶) نجاشی می نویسد: عامه و خاصه نزد او علم آموختند. (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۱) و برخی او را پیشوای متکلمان معتزلی دانستند. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۶: ۴۲۴/۱) و در تأیید مذهب شیعه و رد آراء مخالفان حدود ۳۴ اثر کلامی به جا گذاشت. از جمله: کتاب الرد علی الغلاه، الرد الی عیسی بن ابان فی القیاس، ابطال القیاس الانوار فی تاریخ الائمه الاطهار (طوسی، ۱۳۴۱: ۴۹) نظر به دورانی که در آن می زیسته بخشی از مباحث خود را به مسأله امامت و غیبت امام عصر اختصاص داده است. افزون بر این وی از کسانی است که توفیق دیدار حضرت مهدی را در دوران کودکی حضرت داشته است. در پایان برای پرهیز از طولانی شدن کلام فقط به ذکر نام دیگر محدثین شیعی بغداد اکتفا می کنیم.

۱- ابراهیم بن ابی الزیاء کرخی (براقی، ۱۳۸۱: ۲۷)

۲- ابو ایوب انباری (طوسی، ۱۳۴۱: ۲۷۲)

۳- ابو الحسن بغدادی سورانی (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۱۱)

۴- ابوالعباس بن عبدالله بن سهل (طوسی، ۱۳۴۱: ۸۵۴۲/۲)

۵- احمد بن داود بغدادی (همان: ۳۹۴)

۶- احمد بن عبدالله کرخی (همان: ۶۵۳/۲)

۷- احمد بن عبید بغدادی (طوسی، بی تا)

۸- احمد بن هلال عبدتالی (طوسی، ۱۳۴۱: ۳۸۴)

۹- جعفر بن عیسی یقطین (همان: ۷۸۹/۲)

۱۰- حسن بن جعفر معروف به ابی طالب خاقانی (همان: ۳۸۶)

۱۱- ابان بن صلت بغدادی (همان: ۲۸۰)

۱۲- عباس بن موسی ابوالفضل وراق (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۸۰)

۱۳- علی بن عبدالله بن مروان بغدادی (طوسی، ۱۳۴۱: ۸۱۲/۲)

۱۴- علی بن یقطین بن موسی بغدادی (۱۸۲ق)

۱۵- عیسی بن روضه (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۹۴)

۱۶- محمد بن حسن بن شحون (همان: ۳۳۵)

نتیجه

بعد از تأسیس بغداد و پایتختی آن به مرور فعالیتهای علمی از کوفه بدانجا منتقل شد. وجود مرقد امام کاظم (ع) و امام جواد (ع) در جانب غربی بغداد سبب مهاجرت علمای شیعه به این شهر شد. حوزه بغداد دانشمندان بسیاری به خود دیده که در منابع رجالی نجاشی و طوسی با عنوان "بغدادی" شرح حال آنان آمده است. در اهمیت شهر بغداد همین بس که محدثینی چون هشام بن حکم، محمد بن یعقوب، محمد بن بادیه در بغداد و طن گزیده اند. چنانکه صاحبان کتب اربعه هر یک به نحوی با حوزه بغداد در ارتباط بودند. از سده چهارم به بعد ریاست حوزه بغداد به عهده بزرگانی چون ابن قولویه، شریف رضی و مرتضی بود و مراکز علمی چون مسجد برائنا و عتیقه از مراکز مهم شیعی بود.

جدا از دوره حضور امامان که گرایشهای متفاوتی میان اصحاب ایشان وجود داشته در عصر غیبت نیز گرایشهای گوناگون در زمینه فقه و کلام وجود داشت که برخاسته از نحوه نگارش دانشمندان امامیه به اخبار و روایات و به طور کلی منابع احکام است. عوامل مؤثر در شکل گیری مکتب علمی بغداد حضور جریانهای خرد گرایی شیعه و سنی در بغداد چون معتزله و نوبختیان است. همچنین به برکت حضور ائمه در این شهر در قرن دوم و سوم شاهد حضور شیعیان و فعالیتهای علمی آنان بودیم که تا قرن چهارم و پنجم ادامه داشت. حضور بسیاری از محدثان مناطق دیگر در بغداد و نگارش و انتشار آثار حدیثی در این شهر باعث شکوفایی علم حدیث در بغداد شد. نظام فکری مکتب بغداد تأثیر شگرفی به ساختارهای علمی دوران پس از خود نهاد و ساختارهای فقهی و کلامی را در مسیر خاصی هدایت کرد. چنانکه بسیاری از مسائل علمی در سالهای پس از افول مکتب بغداد به طور بنیادی بر میراثهای علمی این مکتب تکیه می کنند. پس تلاش در جهت بازخوانی این اندیشه ها و انطباق با عصر حاضر می تواند دریچه های نوینی برای پویایی علم و اندیشه ی اسلامی بگشاید و تحولاتی بنیادین را در نگرشهای حدیثی به وجود آورد. همچنین مطالعه و بازنگری زوایای گوناگون مکتب بغداد اعم از زمینه های فقهی، کلامی، حدیثی می تواند الگوی مناسبی برای حل بسیاری از چالشهای دینی معاصر باشد.

منابع و مأخذ

۱. آقا بزرگ طهرانی، محمدحسن (۱۳۴۸). طبقات اعلام الشیعه (نویغ الرواه فی رابعه المثلثات)، چاپ دوم، قم، اسماعیلیان.
۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۵ق). تقریب التهذیب، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطار، چاپ دوم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳. ابن حوقل، (بی تا). صوره الارض، الطبعة الثانیه دارصادر، بیروت .
۴. ابن جبیر، رحله، (۱۹۶۴م). دار صادر، بیروت.
۵. ابن جوزی، (۱۴۱۲ق). المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، دارالکتب العلمیه-بیروت .
۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۹۶۱م). معالم العلماء، به کوشش آل بحر العلوم، نجف.
۷. ابن کثیر، (۱۴۰۸ق). البدایه و النهایه، تحقیق علمی شیری، الطبعة الاولى، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
۸. احمد، منیرالدین، (۱۳۶۸). نهاد آموزش اسلامی، ترجمه محمد حسین ساکت، مؤسسه چاپ آستان قدس رضوی.
۹. اقبال آشتیانی، عباس، (۱۳۴۵). خاندان نویختی، چاپ دوم، کتابخانه طهوری، تهران.
۱۰. امین، محسن، (۱۴۰۳ق). اعیان الشیعه، تحقیق حسن امین، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت.
۱۱. براقی نجفی، حسن (۱۳۸۱ش). تاریخ کوفه، ترجمه سعید راد رحیمی، مشهد، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی.
۱۲. بغدادی خطیب، احمد بن علی، (۱۴۱۷). تاریخ بغداد، تحقیق عبدالقادر عطار، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۳. جعفر سبحانی، (۱۴۱۴). کلیات فی علم الرجال، مؤسسه نشر اسلامی، قم .
۱۴. حائری اردبیلی، محمد بن علی، (بی تا). جامعه الرواء، مکتبه المحمدی، بی جا.
۱۵. حر العاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۶ش). وسائل الشیعه، به کوشش عبدالرحیم ربانی، شیرازی و رازی، تهران.

۱۶. علامه حلی، ابومنصور حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۱ق). ایضاح الاشتباه، تحقیق: محمد حسون، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۷. حموی رومی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۳۶م). معجم البلدان، تحقیق: فرید عبدالعزیز الجندی.
۱۸. _____: معجم الادباء (ارشاد الاریب الی معرفه الادیب)، قاهره، مرجلیوٹ.
۱۹. خضری، سید احمد رضا، (۱۳۷۸). تاریخ خلافت عباسیان از آغاز تا پایان آل بویه، انتشارات سمت.
۲۰. خویی، ابوالقاسم، (۱۴۱۳ق). معجم رجال الحدیث، تفصیل طبقات الرواء الخمسة، مرکز نشر الثقافة الاسلامیه، تهران.
۲۱. زرکلی، خیر الدین: الاعلام (۱۴۱۰ ق.). قاموس تراجم لاشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، چاپ پنجم، بیروت، دار العلم للملایین.
۲۲. صدر عاملی کاظمی، حسن بن هادی (۱۳۵۴). تأسیس الشیعه لفنون الاسلام، بغداد، بی تا.
۲۳. جباری، محمدرضا، (۱۳۸۴). مکتب حدیثی قم، آستان مقدسه قم، انتشارات زائر، قم.
۲۴. دیاربیدگلی، محمد تقی، (بهار و تابستان ۱۳۸۲). «بررسی حجیت مراسیل ابن ابی عمیر» پژوهش نامه قرآن و حدیث ش ۱، ص ۹۲-۷۳.
۲۵. _____ (۱۳۷۹). پژوهشی جامع پیرامون سازمان وکالت، وکلاو ابواب ائمه (ع) مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم.
۲۶. زیدان، جرجی، (۱۹۶۷). تاریخ آداب اللغه العربیة، دارالمکتبه الحیاء، بیروت.
۲۷. سمعانی مروزی، ابوسعید عبدالکریم الانساب، (۱۴۰۸). تحقیق عبدالله عمر بارودی، دارالخبان، بیروت.
۲۸. سید کباری، سید علیرضا، (۱۳۷۸). حوزه های علمیه شیعه در گستره جهان، پژوهشکده باقر-العلوم، امیر کبیر، تهران.

۲۹. سیوطی، جلال الدین، (۱۴۱۱ق). تاریخ الخلفاء، تحقیق محمد مجی الدین عبدالحمید، الطبعة الاولى، انتشارات الشریف الرضی، قم.
۳۰. الشیخ المفید، (۱۴۱۳ق). اوائل المقالات تحقیق ابراهیم انصاری زنجانی، طبعه الاولی المؤتمر العالمی لایضه الشیخ المفید، قم.
۳۱. صفا، ذبیح اله، (۱۳۷۴). تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تا اواسط قرن پنجم، انتشارات دانشگاه تهران.
۳۲. طهماسبی، ساسان، (بهار ۱۳۸۲). «کرخ در دوره آل بویه» تاریخ اسلام سال چهارم، ش ۱۳.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا). الفهرست، به کوشش سید محمد صادقی بحر العلوم، قم، منشورات الشریف الرضی.
۳۴. _____، رجال کشی، تصحیح سید حسن المصطفوی، تهران، دانشگاه تهران.
۳۵. عبدالله، نعمه، (۱۴۰۵). هشام بن حکم، الطبعة الثانية دارالفکر البنانی، بیروت.
۳۶. غنیمه، عبدالرحیم، (۱۳۷۷). تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسائی، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۳۷. فقیهی، علی اصغر، (۱۳۵۷). آل بویه واوضاع زمان ایشان انتشارات صبا، تهران.
۳۸. متقی، علی بن حسام الدین، (۱۹۹۸). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، دارالکتب العلمیه
۳۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). بخار الانوار، بیروت، موسسه الوفاؤ.
۴۰. مرعشی، ظهیر الدین (۱۳۶۱ش). تاریخ طبرستان و رویان مازندران، به کوشش محمد حسین تسییحی، مشرق، تهران
۴۱. مدرسی طباطبائی، حسین، (۱۳۸۶). مکتب در فرایند تکامل، ترجمه هاشم ایزد پناه، انتشارات کویر، تهران.
۴۲. مدیر شانه چی، کاظم، (۱۳۴۴). علم الحدیث، مشهد، دانشگاه فردوسی.
۴۳. مظفر، محمد حسین، (۱۳۶۸). تاریخ شیعه، ترجمه سید محمد باقر مجتبی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.

۴۴. معارف، مجید، (۱۳۷۴). پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، تهران ضریح.
۴۵. مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، (۱۳۷۸). ترجمه، سید هاشم رسولی محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۴۶. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی (۱۴۰۸ ق). رجال نجاشی، تحقیق: محمد جواد نائینی، بیروت، دارالاضواء.
۴۷. نعمه عبدالله، (۱۳۴۷). فلاسفه شیعه، ترجمه سید جعفر غضبان، کتاب فروشی ایران، تبریز.
۴۸. نوبختی، (۱۴۰۴ ق). حسن بن موسی فرق الشیعه، بیروت دارالاضواء.
۴۹. مودب، (۱۳۸۴). تاریخ حدیث، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
۵۰. یوسفی اشکوری، حسین، (۱۳۶۷). «آل یقظین»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی تهران زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی.